

شناخت موسیقی

و

نقش آن در زندگی



گردآورنده: پ. ر.

شناخت موسیقی

و

نقش آن در زندگی

گردآورنده: پ.ر

شناخت موسیقی و نقش آن در زندگی

گردآورنده: پ. ر

قیمت ۳۰ ریال

موسیقی و سیر تکاملی آن

موسیقی هنریست که از تنظیم و ترکیب اصوات بوجود میآید و بیان کننده حالت‌های درونی و معرف غم ، شادی ، هیجان و آرامش روحی انسان است .

موسیقی در جوار انسان ، با انسان زندگی ، و تکامل پیدا کرد و با انسان بر طبیعت تسلط یافت و در جریان تلاش بی‌پایان مغز و دست آدمی به پهنهٔ بیکران عواطف بشر راه یافت . بشر موسیقی را از طبیعت آموخت . از همهٔ اصوات مطبوع و دلنشین که در حیطهٔ پهناور طبیعت یافت میشود . از ریزش مداوم آبشار بر صخره‌های سخت جان از نجوای دل انگیز باد در میان شاخه های انبوه درختان از برخورد منظم قطرات باران بایر که‌های سبزا عمیق جنگل از بازی امواج با ساحل از آواز زیر پرندگان و نوای غم آلود کوکوی فاخته . و از تولید صوت ابزار کار در حین انجام کار .

انسانهای اولیه زمانی که در جنگلها بصورت جمعی زندگی میکردند توانستند ابزار کار بسازند و از آن مشترکاً استفاده میکردند ، آنها برای بهتر زندگی کردن جمعیشان نظم و هماهنگی را بوجود آوردند . در شکار و در آب‌انسانها با اشارات دست و صورت و صدا بهم نظم و هماهنگی میدادند . بعد از قرن‌ها صداها معنی پیدا کرد و زبان ساده پدید آمد و همزمان با تکامل دست و زبان مغز هم رشد کرد . اما انسان ابتدائی هنوز بر محیط مسلط نبود و بصیرت کافی نداشت و میان خیال و واقعیت فرق نمی‌گذاشت . خواب میدید ترس و سرگشتگی بر او غلبه میکرد و از سایهٔ خود وحشت داشت بعد معتقد شد که غیر از پیکر مرئی چیز نامرئی هم وجود دارد . این ترس و زبونی باعث

شد که انسان وسیله‌ای برای تسکین و آرامش خود بیاید در نتیجه عدم شناخت از محیط به جادو روی آورد .

البته جادو تأثیری در واقعیت بیرونی نداشت . ولی قوت قلب ، موفقیت و اعتقاد حاصل میکرد . یعنی جادو بطور غیر مستقیم از راه تلقین تأثیر میکرد . انسان تخم می افشاند آواز میخواند و میرقصید با خیال خود طبیعت جاندار و آن وجود نامرئی را سرشوق میآورد و زمین محصول بیشتری میدهد . انسانها در حین انجام کار اصواتی از حنجره بیرون میآوردند و حرکاتی موزون با بدن انجام میدادند که آن اصوات با اصوات ناشی از برخورد ابزارهای کاربر مواد مورد عمل ملازم بودند این فریاد و اصواتی که در حین کار از حنجره بیرون میآوردند موجب پیدایش ترانه و موسیقی شد و صدای ابزارهای کار هم انسان را به ساختن ابزارهای موسیقی کشانید . و آن حرکات موزون بدن که از آهنگ کار پدید میآمد موجب پیدایش رقص شد .

بطور خلاصه آنکه هنر آفرینی ، نقاشی شعر و موسیقی از زندگی ابتدائی و فعالیت‌های حیاتی سر چشمه میگردد و از مبارزه با واقعیت زاده میشود ، مانند ابزار سازی و سلاح سازی و تهیه خوراک ارزش حیاتی پیدا میکند و به هیچ رو کار بیهوده و ترفنی نبوده است . هیچگاه انسان ابتدائی برای سر گرمی و خود فریبی و درد دل گفتن هنر نمی آفرید . کشیدن تصویری از حیوان گرفتار همانند دامگذاری و تیراندازی و وسیله تسلط بر آن به شمار میرفت . چون انسان در اثر عدم آگاهی بین خیال و واقعیت فرقی نمی گذاشت .

امروز محققان موسیقی گواهی میدهند که اولاً موسیقی با آواز آغاز شد و آواز از تکامل فریاد کار و صدای ابزار فراهم آمد و ثانیاً ابزارهای کار زمینه ساختن ابزارهای موسیقی بودند .

انسانها وقتی عازم جنگ با دشمن می شدند، سرودهای جنگی می - سرودند و بوقت بازگشت پیروزمندان از صحنه جنگ، و یا از عرصه‌ی شکار و یا بهنگام برداشت محصول خوب و فراوان با آوازه‌ها و سرودهای شاد و بهجت‌انگیز که مبین شادی و سرور و لذت روحی و رضای خاطرشان بود به نغمه خوانی و پایکوبی می پرداختند . در ابتدا رقصها و آوازه‌ها با کف زدن‌ها و یا کوبیدن دو قطعه سنگ به یکدیگر همراهی میشد . بعد انسان کشف کرد که اشیائی که او را احاطه کرده‌اند صداهای مختلفی را از خود

خارج می‌سازند. او متوجه شد که زه‌کمانش پس از کشیده شدن و رها گشتن بارتعاش درآمده و ایجاد صدای مطبوعی می‌کند و همچنین پی برد که تنه‌ی توخالی درختی که روی او کار می‌کند ایجاد صداهای طنین‌دار می‌نماید. این اشیاء ساده انسان‌را به فکر ساختن ابزارآلات موسیقی واداشت. زهرتبدیل به سیم و تار آلت موسیقی شد و بعد معلوم گردید که سیمها با ضخامت و طول‌های متفاوت صداهای گوناگون ایجاد می‌کند با تلفیق سیم‌های مختلف انسانها توانستند بربط، تار، سه‌تار، کمانچه، گیتار، و ویلون بسازند. بوق چوپانی که ازشاخ حیوانات ساخته میشد اساس پیدایش بسیاری از سازهای بادی را تشکیل داد و تنه‌ی یوک و توخالی درخت باعث پیدایش دنگ شد که بصورت ظروف گلی می‌ساختند و رویش را با پوست کشیده‌ای می‌پوشاندند و باین ترتیب طبل و دهل نیزبه خانواده‌ی سازها اضافه گردید. هر قدر کار انسان پیچیده‌تر میشد وقوه‌ی عقلانی وی رشد بیشتری می‌یافت احساساتش نیز عمیق‌تر و لطیف‌تر میشد. و این امر در رقصها و آوازها و نغماتی که انسانها بوجود می‌آوردند انعکاس پیدا می‌کرد. آلات و سازهای جدید موسیقی صداهای نوینی را می‌آفریدند و باین ترتیب موسیقی غنی‌تر و متنوع‌تر، می‌گردید.

در نزد هر ملتی هنر موسیقی خاصی بوجود می‌آمد و بتدریج نغمه‌ها ریتم آهنگها و نحوه‌ی آواز خواندن و رقصیدن شکل و حالتی بخصوص گرفتند که هر کدام مختص يك ملت معین و بخصوص بود. باین ترتیب يك زبان ملی موسیقی پدیدار شد که بما اجازه می‌دهد به آسانی موسیقی تاتاری را از آفریقائی و ملودی آلمانی را از ایرانی و هندی تشخیص دهیم. در طول تاریخ، هر ملتی آوازهای غم‌انگیز، خشم‌آگین، نشاط‌آوری... را به جود آورده‌اند که برسر زبانها افتاده است.

آفرینش آواز هرگز قطع نشده است زیرا مردم در خلاقیت هنری خویش هرگز وقفه روا نمی‌دارند و همواره بهترین آنها بوسیله مردم برگزیده می‌شود و بر جای می‌ماند. گلینکا موسیقیدان روسی می‌گوید:

موسیقی را مردم بوجود می‌آورند و آهنگسازان آنرا تنظیم می‌کنند. در طی قرون و اعصار مردم افکار و عقاید، احساس، و آرزوهای خویش را بوسیله موسیقی بیان داشته‌اند. بنابراین کسیکه خالق موسیقی است هدفی جز این نباید داشته باشد که عمیقاً و بدرستی در اثر خویش زندگی ملتش را

منعکس سازد و برای رسیدن به این هدف آهنگساز باید شخصاً به انکار و آرمانهای ملتش معتقد بشود. با حیات معنوی وی جوش بخورد و زندگی کند. به همین علت است که آهنگ سازان می‌کوشند که از آثار خلاقه مردم الهام بگیرند.

انسانها حفظ و حراست از موسیقی را بهمان نحوی آموختند که طریقه نگهداری و حفاظت از سرگذشت و تاریخ گذشته‌ی خویش را یاد گرفته بودند. انسان حروف را ابداع کرد و در نتیجه کتابت بوجود آمد.

ملودی‌ها یا نواها در ابتدای امر به طروق متفاوتی یادداشت می‌شدند. بطور مثال در اروپای قرون وسطی برای این منظور از علائم قرار دادی از قبیل خط و نقطه ابرو یا از شکل ترکیبی آنها سود می‌جستند.

بعدها در اثر پیشرفت جوامع و رشد علوم و بیشتر شدن شناخت انسان از محیط و طبیعت، توانستند برای موسیقی الفبائی پیدا کنند که نت نام دارد و این نت زبان و الفبای بین‌المللی موسیقی شد.

۲- نت و صوت چیست؟

در تعریف موسیقی گفته شد که موسیقی هنریست که از تنظیم و ترکیب اصوات بوجود میآید، یعنی صوت اساس موسیقی را تشکیل میدهد، حال برای شناخت بیشتر موسیقی ببینیم صوت چیست و مشخصات آن کدام است.

صوت: در فیزیک می گویند که صوت از ارتعاش سریع اجسام پدید میآید و با آزمایش ثابت میشود که صوت در خلاء منتشر نمی شود انتشار صوت نیاز به محیط مادی دارد محیط مادی صوت هواست. انتشار صوت که خود نوعی موج است در هوا بصورت امواج طولی و در مایعات و جامدات به دو صورت طولی و عرضی صورت میگیرد و چون صوت نوعی موج است بنابراین دارای فرکانس و دیگر خصوصیات موج هم هست یک صوت ساده دارای سه مشخصه است. ۱- ارتفاع ۲- شدت ۳- طنین.

ارتفاع صوت همان زیر و بم بودن است. شدت صوت بستگی به انرژی اولیه یا مکانیکی دارد که در لحظه تولید بکار برده میشود، مثلا شدت صوت تولید شده بوسیله یک طبل با محکمتر کوبیدن بر روی آن زیادتر می-شود.

طنین: خاصیتی است که سبب تشخیص صوتهائی که از حیث شدت و ارتفاع یکسان ولی از منابع مختلف تولید شده اند میشود.

نت چیست: از آنجا که مهمترین عامل مشخص کننده اصوات از یکدیگر همان ارتفاع یا فرکانس آنهاست. نت ها هم عبارتند از اصوات با فرکانس مختلف و نت علامتی است که بوسیله آن صداهاى موسیقی را نشان میدهند و تعداد آنها هفت عدد است. که عبارتند از: دو، ر، می، فا، سل، لا، سی.

عناصر تشکیل دهنده موسیقی

اینک لازم است بدانیم که این اصوات چگونه تنظیم و ترکیبی میشوند هر هنری دارای مواد و عناصری است که هنرمند با آن سروکار دارد در موسیقی این عناصر عبارتند از: ملودی (نوا) و ضرب (وزن) و هم آهنگی.

ملودی: از لفظ یونانی ملس بمعنای پیوستگی مشتق شده و در تعریف عبارت از اصوات موزون و متوالی که بگوش مطبوع باشد.

نوای موسیقی از احساسات و انفعالات درونی انسانی ناشی می شود و معرف غم و شادی و آرامش روحی انسان است. بدین جهت باسانی ممکن است نوای محزون را از نوای نشاط آور تشخیص داد. باشنیدن يك نوا همان احساساتی که در سازنده آهنگ وجود داشته در شتونده نیز ایجاد می شود و نوا ممکن است با ساز و یا با آواز تنها اجرا شود.

ضرب، ریتم: در موسیقی عبارت از توالی ضربات آهنگ است و اساساً برای موزون کردن نوای موسیقی بکار میرود. اهمیت ضرب در موسیقی با اندازه اهمیت وزن در شعراست. در آهنگها گاهی ممکن است صداهای عادی مانند چهار نعل اسب، صدای ساعت، ضربان قلب، چرخ آسیاب و امثال آن مبنای ریتم قرار گیرد. در ترانه های محلی معمولاً وزن اشعار ریتم موسیقی را تعیین میکنند.

هارمونی: (هم آهنگی): دستورها و قواعد مدونی است که بین اصوات مختلف در يك قطعه چند صدائی توافق و هم آهنگی برقرار می سازد. در موسیقی علمی يك آهنگ باید با چند صوت متنوع توسط يك بنا

چند ساز نواخته شود. ملودی اصلی را معمولاً دسته معینی از سازها اجرا میکنند و سازهای دیگر با نواهای مختلف و هم آهنگی نوای اصلی را همراهی میکنند. در یک ارکستر بزرگ که متجاوز از صد ساز وجود دارد غالباً ده دوازده نوای گوناگون در اجرای آهنگ شنیده میشود ولی ترکیب اصوات طوری است که شنونده با آنکه صداهای مختلف می شنود از هم آهنگی اصوات ناراحت نمی شود. با ذکر این مقدمه میتوان گفت که یک قطعه موسیقی هنگامی از روی قواعد علمی تصنیف شده است که اصول سه گانه موسیقی نوا، ضرب و هم آهنگی در آن رعایت شده باشد.

شکل‌های ارائه شده موسیقی

موسیقی بصورت سازی یا آوازی ارائه می‌شود. که موسیقی آوازی خود بصورت‌های مختلف و موسیقی سازی بصورت‌های مختلف می‌باشد.

موسیقی آوازی

حدود آواز: صدای انسان مانند یکی از سازها قادر بتولید نواهای موسیقی است با آنکه آواز قدیمی‌ترین وسیله لذت انسان بوده هنوز این ساز طبیعی کامل‌ترین آلت موسیقی است و بهتر از هر ساز دیگر می‌تواند احساسات درونی او را بیان کنند.

آواز مرد و زن از حیث زیر و بم بودن صوت به شش قسم کلی تقسیم می‌شود. ۱- سپرانو صدای زیر و ظریف زن ۲- متسو سپرانو صدای متوسط زن. ۳- کنترالتو صدای بم زن. ۴- تنور. صدای مرد جوان. ۵- باریتون صدای بم مرد ۶- باس بم‌ترین صدای مرد

استاد روح‌اله خالقی در مورد موسیقی آوازی ایران می‌گوید:

هنوز شعر جزء لاینفک موسیقی است و همواره کلمه ساز و آواز باهم بکار برده میشود و شنوندگان موسیقی ایرانی وقتی آواز را میشنوند توجه کامل به شعر دارند که معنی و مفهوم آنرا درست درک کنند. پس يك خواننده آواز باید بتواند خوب شعر را درک کند و بخواند و کلمات را درست ادا کند. خوانند باید بخوبی از حنجره‌اش استفاده کند و تنوع تحریر بیشتر باشد. و همچنین جنبه‌های استفهامی و خبری اشعار را در موقع خواندن حفظ کند.

آواز مجموعه‌ای از نغمات است که غالباً باریتم آزاد و گاه با وزن

توأم با میزان جز و سایر فورمهای ایرانی در دستگاہها اجرا میشود و نغمات موجود در آواز را گوشه مینامند .

موسیقی مذهبی و موسیقی آئینی: شامل آوازهای مذهبی است که بمناسبت سوگواری یا جشن این موسیقی یا عبارت خاصی خوانده میشود .
موسیقی مذهبی یکی از قدیمی ترین انواع موسیقی است که در همه ممالک کم و بیش بکار رفته و مخصوصاً در اروپا مقام بزرگی یافته است چنانکه بزرگترین موسیقیدانان قدیم مثل باخ و هندل از کلیسا بیرون آمدند . کلیسای عیسویان مهمترین مشوق و بهترین وسیله ترقی و پیشرفت موسیقی اروپائیست . ولی تنها نمونه‌هایی که مساجد اسلامی از موسیقی استفاده کرده است عبارت از ، اذان و مناجات ، روضه خوانی ، نوحه خوانی ، تعزیه خوانی و قرائت کتابهای دینی و موسیقی عرفانی .

اذان و مناجات . اذان اغلب در آواز ترک و شور و شهناز خوانده میشود و در مناجات معمولاً اشعاری در خدانشناسی و اندرز و نصیحت و غالباً نیز با آواز کرد بیات خوانده میشود .

روضه خوانی . در روضه خوانی اشعار مرثیه با آهنگ محزون و غمناک و بمنظور متأثر ساختن و به گریه انداختن حاضرین خوانده میشود . روضه خوانی از آنجائی بر اساس مقامهای ایرانی اجرا میشود در حفظ و نگهداری موسیقی ملی مؤثر بوده است روضه خوانی یادگارهای دوران صفویه است که امروز نیز بهمانگونه اجرا میشود .

نوحه خوانی . نوحه خوانی در مقایسه با روضه خوانی ارتباط بیشتری با موسیقی دارد چون دارای ریتم و وزن مخصوص میباشد که بیشتر حالت تصنیف دارد . نوحه نیز از انحطاط موسیقی ایرانی جلوگیری نمود .

تعزیه خوانی . در تعزیه یا شبیه خوانی داستانی را بصورت شعر به همراه آهنگ مخصوصی اجرا میکردند و در آن حالات را نیز نشان میدادند یعنی يك نوع تئاتر حزن انگیز به همراه موسیقی که میتوان آنرا نوع تکامل یافته اپرا تراژیک نامید بطور کلی میتوان گفت که تعزیه بهترین وسیله برای نگهداری اصالت موسیقی ملی و اشاعه آن در دو قرن اخیر بود .

موسیقی عرفانی موسیقی عرفانی شامل قرائت مثنوی و نغمه‌ها و سرودها رقص درویشان است .

تصنیف

در اصطلاح شعرا و آهنگسازان قدیم عبارت بوده است از نوعی شعر لحنی که دارای وزن عروضی و ایقاعی هر دو باشد. یعنی بر حسب ظاهر با اشعار معمولی تفاوت معمولی نداشته باشد اما از جهت انتخاب وزن و ترکیب الفاظ دارای این صفت و خاصیت باشد که با نواها و مقامات موسیقی و نغمات زیر و بم ساز و آواز جفت و دمساز گردد.

تصنیف برخلاف شعر ادبی که خاص طبقه بالا بوده تعلق به طبقات عامه دارد و بنا بر این قواعد دستوری که در شعر ادبی عدول از آنها قابل اغماض نیست در تصنیفها چندان رعایت نمی شود.

موضوع تصنیف گاهی عاشقانه و در وصف یار گاهی در ستایش از گل و شراب و زیبایی است گاهی انتقادی اجتماعی و سیاسی است. برای مثال چند نمونه از تصنیفهای گذشته را می آوریم

گاهی در موقعیتهایی به مناسبتی از وقایع و حوادث روز تصنیفی ساخته میشده است که با آواز مطربان و ضرب موسیقی همراه بوده اند که گاه خسته کننده؛ یک نواخت و متشابه معینا برای سماعه ایرانی دلپذیر و شیوا بوده

یکی از این تصنیفها تصنیف لیلی است که در باره کنت منت فریت ساخته شده این شخص را ناصرالدین شاه از فرنگ آورده بود و اورا رئیس پلیس کرده بود و او هم برای اینکه خود را هم رنگ با محیط ایرانی کند فرزندان خود را جامعه ایرانی پوشاند و اسم دخترش را نیز لیلی نهاده او به مقتضای شغل خود خانه های عمومی را بست و زنان هر جائی را در یکی از محلات شهر تمرکز داد و همین امر سبب شد که این تصنیف را برای او بسازند

لیلی را بردند چال سیلابی	بهش آوردند نان و سیرابی
لیلی گل است، لیلی	خیلی خوشگل است لیلی
لیلی را بردند دروازه دولاب	براش خریدند ارسی و جوراب
لیلی را بردند حمام گلشن	کنت بی غیرت چشم تو روشن
لفل تندم لیلی	دختر کنتم لیلی
لیلی ملوسه ننهش عروسه	آقاش دیوسه، ۱)

و یا موقعی که ناصرالدین شاه با اردوی مفصلی بقصد زیارت، عازم عتبات شد و در این موقع که بواسطه کمی بارندگی قحطی شده بود. مردم پایتخت

این اشعار را ساخته و بطور تصنیف می خواندند:

شاه کج کلا رفته کربلا گشته بی پلا
نان شده گران یکمن یک قران یکمن یک قران (۱)
ما شدیم اسیر از دست وزیر از دست وزیر (۲)

و گاه تصنیفهای عاشقانه است مثل تصنیفهای شیدا

سوخت همه خرم نم، یکسره جان و تنم کشته ی عشقت منم، ای صنم
و گاهی تصنیفها سیاسی است، سلاخی برای نبرد با خودکامگان میشود مانند
تصنیفهای عارف قزوینی آهنگساز ملی و شاعر بزرگ ماکه برای خون ریخته
شده جوانان مبارز وطن بدست خودکامگان، می سراید و می سازد و میخواند
از خون جوانان وطن لاله دمیده از ماتم سرو قدشان سرو خمیده
یا

خوابند و کیلان و خرابند وزیران بردند به سرقت همه سیم و زر ایران
مارا نگذارند به یک خانه ویران یارب بستان داد فقیران زامیران
جانبازی عشاق نه چون بازی نرداست مردی اگرت هست کنون وقت نبرد است

اپرا چیست

اپر نمایشی است که بازیکنانش بجای گفتار مقاصد خویش را با آواز
ابراز میدارند موسیقی در اپرا عامل اصلی است .
اما در اپرا بازیگران تنها بوسیله ی صدا مشخص نمیشوند . بلکه
آهنگساز میکوشد تا بوسیله موسیقی نیز به شخصیت مورد نظر خصیات معینی
به بخشد هنگامیکه فقط یکی از شخصیتهای اپرا در روی صحنه به هنرنمایی
مشغول است این تک آواز را (آریا ویا آریوزا) میگویند و آواز دونفره را
دوئت سه نفر را تریو و چهار نفره را کوراتت میگویند و اکثر آ اپرا با اورتور
(درآمد) شروع میشود .

هرچند که در اپرا موسیقی و طنین سازهای ارکستر و صدای خوانند
گان در درجه اول اهمیت قرار دارد . اما اپرا تنها موسیقی نیست . بلکه
شامل درام ، رقص و منظره نیز میباشد . بهمین علت تأثیر بسیاری در شنوند
گان دارد و رساترین شکل موسیقی جدی را تشکیل میدهد .

موسیقی سازی

موسیقی سازی موسیقی است که از ترکیب و تنظیم سازها بوجود میاید
و بصورت های زیر شنیده میشود .

اورتور: اورتور بمعنای مدخل و درآمد مشتق شده است. در موسیقی کلاسیک اورتور يك قطعه موسیقی سازی است که در مقدمه اپرا یا موسیقی کورال (آواز جمعی) اجرا میشود.

سویت: سویت بمعنای رشته. عبارت از يك رشته رقصهای کلاسیک که پی در پی نواخته میشود. معمولاً رقصهای تند و آهسته را بطور متناوب در سویت قرار میدهند.

سونات: سونات نوعی موسیقی سازی است که توسط يك یا دو ساز اجرا می-میشود ساز اصلی سونات پیانو و یا کلاوسن است.

کنسرتو: کنسرتو بمعنای مبارزه مشتق شده است. کلمه کنسرت در قرن ۱۶ بنوازندگان گانی که باتفاق آهنگی را اجرا میکردند اطلاق میشد و منظور آن بود که بین نوازندگان در اجرای آهنگ مسابقه و مبارزه‌ای هست و هر کس میخواهد ساز خود را بیشتر جلوه دهد.

در مکتب کلاسیک وین کنسرتو بقطعه‌ای اطلاق میشود که برای يك ساز اصلی بهمراهی ارکستر تصنیف شده باشد. فعلاً هر کنسرتو دارای سه قسمت تند آهسته، و تندا است.

سمفونی: سمفونی در زبان یونانی بمعنای رسائی و هماهنگی است. سمفونی آهنگی است که برای ارکستر بزرگ تصنیف شده وقواعد وساختمان آن دارای چهار قسمت است. منتهی به جای يك یا دو ساز تمام ارکستر در اجرای آن شرکت میکند. سازنده سمفونی برای ارکستر يك آهنگ تنهانی، نویسد بلکه هر دسته از سازهای ارکستر آهنگ خاصی را اجرا می کند. بطوری که سازنده آهنگ باید حداقل دوازده آهنگ مختلف بسازد که تحت قواعد هم آهنگی (هارمونی) نت به نت با یکدیگر هماهنگی داشته باشد هنگام تصنیف يك سمفونی موسیقی دان باید در آن واحد همه سازهای ارکستر را در خیال خود بشنود و بداند هر آهنگ را بکدام سازها بدهد تا منظور او بهتر بیان شود، که این کار قدرت تصور و مهارت بسیار لازم دارد.

موسیقی ایرانی

ردیف و دستگاهها

ردیف موسیقی ایرانی شامل هفت دستگاه و پنج آواز است و هر دستگاه دارای نغماتیست که گوشه نامنده میشود

ردیف هم در موسیقی ایرانی به ترتیب قرار گرفتن نغمات گوناگون

که حالت مدگردی داشته باشد اطلاق میگردد.

هفت دستگاه عبارتند از: شور-سه گاه- چهار گاه- همایون- ماهور -
نوا و راست پنجگاه است و آوازه‌ها عبارت از: دشتی، ابوعطا، افشاری، بیات
ترك و بیات اصفهان است.

هر يك از دستگاه‌های هفتگانه و متعلقات آنها مجموعاً دوازده سیستم
هستند و دارای پنج فرم کوچکتر میباشند که عبارتند از: پیش‌درآمد چهار،
مضرب، آواز، تصنیف و رنگ.

پیش‌درآمد: اولین گوشه‌ای که در آوازه‌های موسیقی ایرانی نواخته میشود
درآمد نام دارد و کلمه پیش‌درآمد که بمعنی قبل درآمد میباشد اسم مناسبی
است که بوسیله مرحوم مشیر همایون شهردار استاد فقیه موسیقی نام گذاری
شده است.

پیش‌درآمد فورمی است که در مقابل اورتور موسیقی غربی قرار دارد.
زیرا هر دو بعنوان گشایش و مقدمه بر آهنگی دیگر نواخته میشود. در پیش
درآمد شعر و کلام بکار برده نمیشود و غالباً بعنوان موسیقی سازی و مقدمه
ای برای آواز مورد استفاده قرار میگیرد.

چهار مضرب: خود کلمه میرساند که این فورم در حالت اولیه برای سازهای
مضربی بوجود آمده است.

رنگ: فرم رنگ تنها رقصی است که جزو سایر فرمها در دستگاههای موسیقی
ایرانی جای دارد. این فرم بسیار نشاط‌آور و طرب انگیز است و شاید بهمین
دلیل است که در انتهای دستگاه آن را می‌نوازند تا اختتام موسیقی ایرانی با
نشاط و شادی توأم باشد.

نقش هنر، و موسیقی در زندگی

برای درك نقش هنر موسیقی در زندگی ابتدا به نقش هنر و وظایف آن در زندگی کنونی میپردازیم.

هنر شکلی از آگاهی (شعور) اجتماعی و فعالیت خلاقه انسانی است که واقعیتهای زندگی، جامعه، طبیعت را درك و منعکس میکند نه تنها وسیله درك واقعیتهاست بلکه وسیله ایست برای تأثیر معنوی بر آنها. هنر بصورت شکل ویژه ای ارتباط انسانها با هم و انسانها بروز میکند.

در سیر تکاملی موسیقی گفته شد که هنر جزء لاینفك زندگی بود و بستگی به روند تولید داشت اما با تقسیم کار و تقسیم جامعه به طبقات مختلف و مسلط شدن انسان بر جامعه و بی نیاز شدن او از جادو هنرها دیگر از جزء لاینفك تولید جدا گشتند و وظایف نوینی بر عهده گرفتند.

وظایفی که هنر در زندگی کنونی ما انجام می دهد، عبارتست از:

۱. **وظیفه معرفتی:** برای شناخت عمیقتر زندگی و انسان و دوران معین تاریخ
۲. **وظیفه تربیتی:** برای دگرگونی انسان در جهت تکامل اخلاقی و معنوی خویش.

۳. **وظیفه استتیک (زیبایی شناسی):** برای بالا بردن سطح ذوق و سلیقه و حساسیت و ظرافت روحی. استتیک دانشی است در باره توانینی که بر وفق آن انسان جهان را از دیدگاه ذوقیات ادراك می کند.

هنرمند که اثری ایجاد می کند طبیعت و زندگی را از دیدگاه خود بیان میدارد و آن را به دادگاه جامعه میفرستد ولی به علت تأثیر اجتماعی و تربیتی اثر خود در قبال جامعه مسئول است،،، (۷)

هنرمند مسئول و آگاه هرچم دارملت است. هنرمند باید امیدها و آرزوها یا امکانات تازه‌ای که دیگر گونی‌های جدید در انسان برمی‌انگیزد بشناسد و به مردم بشناساند، و به انسان بیاموزد و تقویت کند میل به حقیقت و مبارزه با پستی‌را، هنرمند باید در انسان روح عفت و عصمت و شهامت‌را بحرکت آورد و با آنها کاری کند تا مردمی نجیب، بهروز و قوی شده بتوانند حیات خود را با روح مقدس زیبایی تلفیق سازند.

هنرمند باید درك درستی از جامعه و طبقات آن و نیازهای طبقات داشته باشد زیرا هیچ مسئله و نیازی جدا از مسئله طبقات نیست. و از این جهت هنر عرصه مساعدی برای نفوذ ایدئولوژی طبقات است. زیرا در يك جامعه طبقاتی که طبقات متضادی وجود دارند بالطبع زندگی و اندیشه و هنر متضادی وجود دارد. زندگی و هنر اقلیت استثمارگر با زندگی و هنر اکثریت استثمار شونده تفاوت اساسی دارد. در این جامعه هنر طبقاتی است.

«بهمین جهت طبقه اکثریت انقلابی معاصر خواستار هنری است که بر واقع‌گرایی انقلابی متکی باشد و بجامعه کمک کند تا به معایب و دردهای خود پی ببرد و علل و درمانهای آنرا بیابد و راه‌را بسوی پیش بگشاید. هنر نباید در سمت ارتجاع، در خدمت بهره‌کشی، خرافات، انحطاط و فساد باشد.» (۷)

موسیقی هم که یکی از انواع هنرها مثل سینما تأثر معماری و نقاشی است هنر و هنرمندش این وظایف‌را باید انجام دهد. موسیقی بیان واقعیتهاست بصورت تصاویر صوتی نمی‌تواند جدا از این عمل بکند.

دیمتری شوستاکویچ آهنگساز بزرگ شوروی می‌گوید: «موسیقی نمی‌تواند بدون زمینه و هدف سیاسی باشد. بدین ترتیب که باید ایده و اندیشه‌ای را بیان نماید که دوك آن برای بورژوازی به آسانی میسر نباشد موسیقی بدون ایدئولوژی خاصی نمی‌تواند وجود داشته باشد. موسیقی خوب آن است که انسان‌را امیدوار و نیرومند و به زندگی علاقه‌مند سازد و شخص را برای کار و کوشش و فعالیت آماده نماید. موسیقی از این پس نمی‌تواند و نباید فقط بصورت هدفی باشد بلکه لازم است بصورت يك وسیله مؤثر و ضربه‌کاری و برنده در میدان مبارزه و زندگی درآید»

بتهوون آهنگساز بزرگ می‌گوید: «موسیقی باید آتش آدمی‌را بر افروزد. موسیقی من باید برای خوشبختی بیچارگان اختصاص یابد.»

و در مور موسیقی بتهوون گفته اند موسیقی بتهوون زندگی مغلوب نشدنی و فنا ناپذیر را ستایش میکنند.

موسورگسکی آهنگساز روس می گوید: «تشنه‌ی برادری با مردم هستم نه آشنائی با آنها و این کاری است سخت اما دلپسند و خوب. مایلم چنان هنری ارائه دهم که روح خلق را تشکل بخشد و صیقل دهد».

روبرت شومان موسیقی دان آلمانی در مورد موسیقی و انقلاب گفته است: «انقلاب ممکن است به طوری در قالب يك سمفونی گنجانده شود که دستگاه پلیس هرگز از آن بویی نبرد».

یکی از منقدین شوروی به نام گرگوری اشنیرسن می نویسد: در نظر ما در شوروی وظیفه طلابه دار و هنرمند پیشرو آن است که بیان کننده ایده های متمدنی باشد. و با مردم با زبانی نو و نیرومند و قابل فهم سخن گوید. خواسته های مردم و ذوق هنری آنان هر روز ترقی می کند و به کمال میزود. بدین ترتیب آهنگساز پیشرو و متمدنی آن است که در جریانات و تحولات اجتماعی که در پیرامون وی روی میدهد غوطه ور شود و با کار خلاقه خود به پیشرفت بشریت کمک کند».

و رومن رولان می گوید: «آنکس که از شنیدن نغمه شیرین ساز یا آواز دلنشین طبیعی لذت نبرد و به وجد نیاید و سراپا از آن شوریده نگردد چنان که گویی از خوشی شیفته و از خود بدر شده است این نشانه آنست که روحی کج و معیوب و هرزه دارد».

چگونه از موسیقی لذت ببریم

ممکن است پرسیده شود که چگونه میوان سرازتر کیب سمفونی در آورد و چگونه میتوان با سمفونی و موسیقی دیگر ارتباط برقرار کرد و با آن مأنوس گردید تا قابل فهم باشد. ابتدا باید به چنین شنوندهای توصیه نمود که افکار خویش را تسلسل بخشند و به تداعی معانی موزیک نپردازد و سعی نکند که آهنگ آنرا در مقام با آهنگ موسیقی دیگری قرار داد و بطور کلی برای اینطور چیزها بمنز خود فشار وارد نیآورد زیرا اینگونه برخوردها با موسیقی فهم آنرا آسانتر نمی سازد.

همینطور که حالا بسادگی با اندکی دقت میتوانیم ملودیهای شاد را از غمگین و آهنگهای تند را از ملایم و سرودها را از مارشهای نظامی باز شناسیم برای ذلك آهنگهای بغرنج و پیچیده باید هرچه بیشتر و دقیق تر به اثرهای موسیقی گوش فرا دهیم تا خو گیریم و ابتدا باید از قطعات ساده شروع کنیم و از راه روزنامه، کتاب و غیره معلومات خودمان را در مورد موسیقی بالا ببریم.

ممکن است شنوندهای از شنیدن باله دریاچه قو لذت ببرد اما از يك اثر دیگر لذت نبرد. شك نیست که برای درك موسیقی زبان موسیقی را باید شناخت و برای لذت روحی رموز زیبایی را باید پیدا کرد. از این نظر يك آهنگ بجهت نکات فنی و ابتکاری که در زمان خود حائز بوده مورد مطالعه قرار می گیرد و طرز فکر سازنده آهنگ و سبک کار او در تحقیق زیبایی موسیقی مؤثر است و بدون توجه به مکتبهای هنری آثار مختلف را نباید مقایسه کرد مثلاً کسانی به سمفونیهای بتهوون علاقه دارند اما بدون توجه

به سبک موسیقی، سمفونیهای شوستا کوویچ را با کارهای بشهون مقایسه میکنند در این صورت نتیجه درست بدست نمیآورند برای درک زیبایی در هر اثر باید اصول هنری را که هنرمند در راه و رسم خود پیش گرفته جست و با توجه باین اصل در نکات فنی آن تحقیق کرد بطور کلی برای تحقیق در زیبایی موسیقی چند نکته را میتوان در نظر گرفت:

۱. تصنیف ملودی که عامل اصلی موسیقی است و پیش از همه توجه شنونده عادی را جلب می کند.

۲. کیفیت هارمونی که موسیقی را از نظر ترکیب صدا مورد مطالعه قرار میدهد

۳. سبک موسیقی که در هر مکتب و نسبت به هر آهنگساز بحث جداگانه ای دارد.

۴. تکنیک موسیقی که هم مربوط به سازنده آهنگ و هم مربوط به اجرا کننده است.

شناخت سازها

بطور کلی سازهای ارکستر به سه دسته اصلی تقسیم میشوند. سازهای زهی، سازهای بادی، سازهای ضربی

سازهای زهی

ویولون: ویولون قسمت سپرانوی سازهای زهی است و میتواند آهنگهای حساس و هیجان آمیز را بخوبی اجرا کند و آهنگ آن به طبیعت نزدیک است. ویولون دارای چهار سیم می-لا-ر-سل است.

ویولا: این ساز از هر حیث شبیه ویولون است منتهی کمی بزرگتر و صدای آن بم تر است

ویولونسل: صدای ویولونسل یک اکتاو بم تر از صدای ویولا است. کمتر باس: بزرگتر از ویولونسل و انتهای آن متکی بر زمین و ایستاده نواخته میشود در اسکرتسوی سمفونی پنجم بتهوون و رقص فیلهها از برلیوز کمتر- باس وظیفه مهمی در اجرای آهنگ دارد.

هارپ: یا چنگ قدیمی ترین سازهای زهی است که از تمدن گذشته بیادگار مانده است،

سازهای بادی

سازهای بادی از حیث صدا و ساختمان به دو دسته تقسیم میشوند. سازهای بادی چوبی سازهای بادی مسی:

سازهای بادی چوبی عبارتند از: فلوت، پیکولو، ابوا، کلارینت، فاگوت، کرآنگلد، باسون.

سازهای بادی مسی عبارتند از: ترومپت، ترومبن، هورن، توبا.

سازهای ضربی

این دسته از سازها برای حفظ ریتم و ضرب آهنگ بکار میرود و گاهی سازهای دیگر مانند هارپ و پیانو که سازهای مستقلی هستند در این دسته وارد میشوند و عبارتند از، تیمپانی، طبل بزرگ، طبل نظامی، سنج، مثلث، چلستا.

سازهای ایرانی

استاد روح‌اله خالقی در کتاب سرگذشت موسیقی ایرانی در مورد سازهای ایرانی به برتیب چنین نوشته است:

موسیقی دانه‌های قدیم در کتابهای خود، سازها را به دو دسته تقسیم کرده اند، یکی ذوات الا و تار با آلات سیمی و دیگری ذوات النفخ یا آلات بادی. ذوات الاوتار دو نوع بوده: یکی آنکه مثل چنگ و قانون و سنتور. برای هر حدائی یک سیم روی ساز بسته میشده و در روی آن رشته‌ها انگشت نمی‌گذارند. نوع دوم آنها تیکه روی رشته‌ها که هر یک از آنها را وتر می‌نامیدند انگشتهای دست چپ نوازنده، تکیه می‌کرده مانند بربط (عود) و طنبور و رباب. ساز اخیر که اول دو سیم داشته بعدها یک سیم دیگر به آن اضافه شده و با کمانه بصدا درآمده و همان است که امروز کمانچه می‌گوئیم.

از دوره صفویه به بعد کمانچه یکی از ارکان موسیقی ایرانی بشمار آمده است که کمان آن پس از اینکه بعدها در دوره مظفرالدین‌شاه ویولون به ایران آمد نام خود را از دست داد و به آرشه که کلمه فرانسوی است تبدیل شد این ساز چون روی کاسه‌اش پوست کشیده شده و خرنک روی پوست تمارار دارد. در اثر تغییر هوا صدای آنهم عوض میشود ولی از آنجا که پوست کمانچه کلفت‌تر از تار است حرارت و رطوبت در آن کمتر تأثیر میکند.

قانون: سیمهای این ساز از روده است و با دو مضراب که مانند انگشتانه، بانگشت سبابه می‌کنند با هر دو دست نواخته میشود و چون نغمه‌های زیر و بم را میتوان باهم بصدا درآورد آهنگ این ساز بسی مطلوب و دلنشین است تار: تار در لغت بمعنی رشته است و در آلات موسیقی همانست که باصطلاح امروز سیم گفته میشود و پیشینیان آنرا وتر می‌نامیدند. تار در میان آلات مضرابی از همه خوش‌آهنگ‌تر است. هر چند نواقصی دارد چنانکه پوست آن در اثر تغییر هوا باعث کم و زیاد شدن صدا میشود و سیمها چون نازک است

زود به زود پاره میگردد. ولی چون سازهای مضرابی اروپائی مانند ماندولین و گیتار و بالالایکا صدایشان خشک است و لطف صوت تار را ندارد، هنوز سازی نتوانسته است جانشین آن شود.

فی: نی قدیمی ترین آلت موسیقی است که از قرن‌ها قبل در ممالک مختلف روی زمین باشکال مختلف ساخته شده است و در ایران سابقه تاریخی کهن دارد. نی طبیعی قرین ساز بشر است که آنرا ساز چوپانان نیز گویند. آهنگ نی بسی مطلوب و شیرین و دلپذیر و پخته و گرم است. نی خاطرات یادگار دوران گذشته است.

فلوت: در میان سازهای بادی چون فلوت از همه خوش صداتر و صوت آن به طبیعت نزدیکتر بواسطه شباهتی که به نی داشته بیشتر طرف توجه واقع شده است.

دیگر از سازهایی که استاد روح‌اله خالقی نام می‌برد عبارتند از سازهایی که برای هنگام جنگ بکار برده میشود مثل کوس، دهل، کرنا شیپور و سرنا، است.

منابع استفاده شده:

۱. از صبا تا نیما یحیی آریانپور
۲. تفسیر موسیقی سعدی حسنی
۳. مقدمه‌ای برای شناخت موسیقی کولوسووا
۴. موسیقی سمفونیک ادوارد داونز
۵. سرگذشت موسیقی ایرانی روح‌اله خالقی
۶. شناخت موسیقی ایرانی عزیز شعبانی
۷. بنیاد آموزش انقلابی احسان طبری
۸. جامعه‌شناسی هنر امیر حسین آریانپور
۹. نشریه‌ها و جزوه‌های پراکنده در مورد موسیقی

تهیه نسخه الکترونیک:

باقر کتابدار

farsibooks@gmail.com

کتابهای رایگان فارسی

<http://www.persianbooks2.blogspot.com>